

فصلنامه علمی ° پژوهشی تاریخ اسلام

سال هفدهم، شماره اول

بهار ۱۳۹۵، شماره مسلسل ۶۵

نقد و بررسی تاریخ ولادت و شهادت امام جواد علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱/۱۶

بدالله مقدسی*

تاریخ ولادت و شهادت امام جواد علیه السلام از جمله موضوعاتی است که گزارش‌های تاریخی چندگانه‌ای از آن، در منابع تاریخی آمده است. رسیدن به نتیجه‌ای روشن در این گونه موارد، علاوه بر افزودن آگاهی‌های قابل اعتماد درباره معصومان علیهم السلام، به شناخت بهتر زمان صدور برخی روایات و رویدادها مدد می‌رساند. این مقاله برای تعیین زمان دقیق تولد و شهادت امام جواد علیه السلام، با بررسی گزارش‌های موجود در منابع شیعه و اهل سنت درباره سال و ماه تولد امام علیه السلام، گزارش‌های تولد آن حضرت در غیر سال ۱۹۵ قمری و نیز گزارش تولد ایشان در دهم ماه رجب را نامعتبر و گزارش تولد آن حضرت در پانزدهم ماه رمضان سال ۱۹۵ قمری را مستند و برتر از دیگر گزارش‌ها شمرده است. این نوشتار، گزارش‌های دال بر شهادت امام جواد علیه السلام در غیر سال ۲۲۰ قمری را نیز دارای اعتبار ندانسته و گزارش شهادت آن حضرت در آخر ماه ذی‌قعدة

* پژوهشگر پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛

سال ۲۲۰ قمری را برتر از دیگر گزارش‌ها نهاده است.

کلیدواژگان: امام جواد علیه السلام، تاریخ امامت، سندپژوهی، نقد متن، حدیث‌شناسی.

مقدمه

تاریخ ولادت و شهادت امام جواد علیه السلام، یکی از ابعاد زندگی آن گرامی است که گزارش‌های متفاوتی در سه محور سال و ماه و روز آن وجود دارد. پراکندگی گزارش‌ها، این پرسش‌ها را در پی دارد که تاریخ درست تولد و شهادت آن گرامی کدام است؟ عوامل و منشأ پراکندگی منابع تاریخی در این باره چیست؟ به چه گزارش‌ها و منابعی می‌توان اعتماد کرد؟

برخی نویسندگان مطالبی ارزشمند در این باره نگاشته‌اند؛ ولی پژوهشی که با ارزیابی گزارش‌های پراکنده درباره این موضوع، به جمع‌بندی درستی رسیده و به پرسش‌های یادشده پاسخ صحیح داده باشد، مشاهده نمی‌شود. به همین سبب، بازکاوی منابع کهن و ارزیابی مستندات و مأخذ آن‌ها، برای دستیابی به سخن درست در این موضوع ضروری است.

این تحقیق در پی پاسخ به پرسش‌های یادشده، با بهره‌گیری از شیوه میان‌رشته‌ای در نقد و پذیرش گزارش‌ها، گزارش‌های موجود در منابع کهن فریقین درباره این موضوع را، در حد امکان از دو منظر رجالی - فقهی و تاریخی به تناسب بررسی کرده و با لحاظ معیارهایی چون مستند بودن یا نبودن نقل‌ها، تقدیم منبع متقدم بر متأخر، تعارض گزارش‌ها و حل آن از راه بررسی اعتبار نگارندگان یا راویان و یا قانون اصولی اطلاق و تقیید، و نیز با توجه به خطای نسخه‌برداران و همچنین حوادث هم‌زمان، قول قوی‌تر را ترجیح داده است. انتخاب این روش بدین جهت است که در بررسی گزارش‌های مربوط به معصومان علیهم السلام، نمی‌توان به صرف نقل روایتی بسنده کرد و هر مطلبی را به آنان نسبت

داد بلکه در حد امکان باید مطلب را سنجید و با مستندات قوی و قابل قبول، آن را پذیرفت. به کارگیری چنین روشی در بررسی دیگر مسائل تاریخی نیز، خطای معلومات برگرفته از آن‌ها را کاهش خواهد داد.

این پژوهش عوامل اختلاف گزارش‌ها و زمان تولد و شهادت امام جواد علیه السلام را در دو قسمت تولد و شهادت و هر قسمت را در سه محور سال و ماه و روز به صورت جداگانه بررسی می‌کند.

الف. تولد

سال

سال ولادت امام جواد علیه السلام در منابع کهن ۱۹۵، ۱۷۵ و ۱۷۰ هجری گزارش شده است. با بررسی این گزارش‌ها، صحت و اتقان تولد آن گرامی در سال ۱۹۵ هجری از چند جهت قابل توجه است:

۱. بزرگانی از عالمان شیعه و اهل سنت، تولد آن امام همام را در سال ۱۹۵ دانسته‌اند. از عالمان شیعه بزرگانی مانند: نوبختی (م حدود ۳۲۰ ه.ق)،^۱ ابن ابی الثلج (م ۳۲۵ ه.ق)،^۲ کلینی (م ۳۲۹ ه.ق)،^۳ مسعودی (م ۳۴۶ ه.ق)،^۴ قمی صاحب تاریخ قم (م ۳۸۱ ه.ق)،^۵ شیخ مفید (م ۴۱۳ ه.ق)،^۶ حسین بن عبدالوهاب (م ۴۳۶ ه.ق)،^۷ شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه.ق)،^۸ طبری امامی (معاصر شیخ طوسی)،^۹ فتال نیشابوری (م ۵۰۷ ه.ق)،^{۱۰} امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ ه.ق)،^{۱۱} ابن فندق بیهقی نسب‌شناس (م ۵۶۵ ه.ق)،^{۱۲} ابن خشاب (م ۵۶۷ ه.ق)،^{۱۳} ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ه.ق)،^{۱۴} اربلی (م ۶۹۳ ه.ق)،^{۱۵} ابن طقطقی (م ۷۰۹ ه.ق)،^{۱۶} شیعی سبزواری (زنده در ۷۵۷ ه.ق)،^{۱۷} شهید اول (م ۷۸۶ ه.ق)،^{۱۸} کفعمی (م حدود ۹۰۰ ه.ق)^{۱۹} و حسین بن عبدالصمد عاملی (۹۱۸-۹۸۴ ه.ق).^{۲۰} از عالمان اهل سنت نیز، نام خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ه.ق)،^{۲۱} ابوالفرج ابن جوزی (م ۵۹۷ ه.ق)،^{۲۲} محمد بن طلحه شافعی (م ۶۵۲ ه.ق)،^{۲۳} سبط بن جوزی (م ۶۵۴ ه.ق)،^{۲۴} گنجی شافعی (م ۶۵۸ ه.ق)،^{۲۵} ابن خلکان (م ۶۸۱ ه.ق)،^{۲۶} ذهبی (م ۷۴۸ ه.ق)،^{۲۷} ابن تغری (م ۸۷۴ ه.ق)^{۲۸} و ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵ ه.ق)^{۲۹} در این ردیف مشاهده می‌شود.

۲. گزارش تولد امام علیه السلام در سال ۱۷۰ هجری را فقط جوینی (۶۴۴-۷۳۰هـ.ق) نقل کرده است^{۳۰} که این نظر، با گزارش منابع کهن درباره سال تولد و شهادت و دوران عمر آن حضرت، سازگاری ندارد.

۳. گزارش ولادت امام علیه السلام به سال ۱۷۵ هجری را ابوخلیف اشعری (م حدود ۳۰۰هـ.ق)^{۳۱} و در پی او عباس مکی^{۳۲} ثبت کرده است. ولی با توجه به اینکه آن گرامی در سال ۲۲۰ هجری و در حدود ۲۵ سالگی به شهادت رسید - چنانکه در ادامه خواهد آمد - و اشعری و مکی نیز این سخن را پذیرفته‌اند،^{۳۳} باید گفت در گزارش اینان اشتباهی رخ داده و واژه «سبعین» به خطا به جای کلمه «تسعين» ثبت شده و در حقیقت عدد یادشده ۱۹۵ است نه ۱۷۵؛ به ویژه آنکه اشعری در این نقل‌ها با نوبختی همگام است و نوبختی در گزارش خود سال ۱۹۵ هجری را ذکر کرده است.^{۳۴} دیگر اینکه اگر سال ۱۷۵ صحیح باشد، باید پذیرفت که امام جواد علیه السلام در وقت شهادت ۴۵ سال داشته است، در حالی که این نتیجه در هیچ منبعی نیامده است. در واقع اشعری و مکی نیز، همانند دیگران، تولد آن حضرت را در سال ۱۹۵ هجری می‌دانند که به اشتباه ۱۷۵ نقل شده است.

در اینجا، اشاره‌ای به شرایطی که امام جواد علیه السلام در آن متولد شد، مناسب است؛ پس از شهادت امام کاظم علیه السلام در سال ۱۸۳ قمری، پیروان اهل بیت علیهم السلام، به امام رضا علیه السلام گرویدند.^{۳۵} در این میان گروهی از وکیلان مالی امام کاظم علیه السلام فریفته دنیا شده، با توقف بر امامت امام کاظم علیه السلام، به امامت امام رضا علیه السلام تن در نداده، واقفیه نام گرفتند.^{۳۶} یکی از انگیزه‌های اصلی اینان، مسدود کردن و تصرف وجوهات شرعی‌ای بود که به نمایندگی از امام کاظم علیه السلام گردآورده بودند و در چنگ خود داشتند.^{۳۷}

این گروه پس از انشعاب، با بهره‌گیری از این اعتقاد شیعه که «امامت هر امامی - جز در دو مورد^{۳۸} - به پسرش سپرده می‌شود» و با توجه به اینکه امام رضا علیه السلام تا آن تاریخ پسر دار نشده بود، به شبهه‌افکنی درباره امامت ایشان پرداختند و گفتند امام رضا علیه السلام پسر

جانشین ندارد؛^{۳۹} این گروه، گاه خود با امام در این باره به مناظره می‌نشستند^{۴۰} و دیگرگاه، شبهه افکنی اینان، دیگران را وامی‌داشت تا در این موضوع با امام به گفت‌وگو و تحقیق بنشینند.^{۴۱}

با سپری شدن سال‌ها و فرارفتن عمر امام رضا علیه السلام از چهل سالگی، تردیدآفرینی این گروه و مناظره بر سر آن، همچنان ادامه داشت. در این شرایط، تنها روزنه امید و مایه آرامش برای دلدادگان امام رضا علیه السلام پاسخ شنیدنی و نوید آن بزرگوار بود که می‌فرمود: «روزگار نمی‌گذرد جز آنکه خدا به من پسری دهد و بدین طریق این تردیدهای باطل گرایانه را برافکند و حق را نمایان سازد».^{۴۲} چندی گذشت و سال ۱۹۵ هجری فرارسید و یک باره این گزارش منتشر شد که «امام رضا علیه السلام سپردار شد و نام پسرش نیز ابوجعفر است».^{۴۳} با پخش این خبر، شیعیان هوشمندی که درباره امامت پس از امام رضا علیه السلام دغدغه داشتند، نزد امام رفته، برای اطمینان و آگاهی بیشتر، درباره امام پس از ایشان پرسیدند و آن گرامی با اشاره به کودک خود، وی را امام پس از خود خواند. آن گاه شیعیان، درباره کودکی امام جواد علیه السلام و امکان امامت در سه سالگی پرسیدند و ایشان پاسخ داد: «کودکی او مانع امامتش نیست؛ چرا که حضرت عیسی علیه السلام، در همین سنین به مقام حجیت الهی رسید».^{۴۴}

با تولد امام جواد علیه السلام در سال ۱۹۵ قمری، تردیدهای مربوط به امامت از دل دوستان اهل بیت علیهم السلام زدوده شد؛^{۴۵} از این رو امام جواد علیه السلام مولودی نام یافت که تولد او برکتی بزرگ نامیده شده است.^{۴۶}

ماه

منابع کهن درباره ماه تولد امام علیه السلام توافق ندارند؛ برخی به آن نپرداخته‌اند و برخی با پراکندگی، از ماه رجب و ماه رمضان یاد کرده‌اند.

بررسی منابع کهن

با جستجو در منابع کهن شیعیان، این نتیجه به دست می‌آید که جز یک نقل، یعنی

روایت ابن عیاش (م ۴۰۱ هـ.ق)، همگی بر تولد آن حضرت در ماه رمضان تأکید دارند. در این باره می‌توان آثار کسانی چون سعد بن عبدالله اشعری،^{۴۷} نوبختی،^{۴۸} کلینی،^{۴۹} مسعودی،^{۵۰} حسن بن محمد قمی،^{۵۱} شیخ مفید،^{۵۲} حسین بن عبدالوهاب،^{۵۳} شیخ طوسی،^{۵۴} طبری امامی،^{۵۵} فتال نیشابوری،^{۵۶} طبرسی،^{۵۷} ابن خشاب،^{۵۸} ابن شهر آشوب،^{۵۹} اربلی،^{۶۰} علامه حلی (م ۷۲۶ هـ.ق)،^{۶۱} شیعی سبزواری،^{۶۲} شهید اول،^{۶۳} حسین بن عبدالصمد عاملی^{۶۴} و علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ هـ.ق)^{۶۵} را نام برد. آن دسته از نگارندگان اهل سنت هم که در این موضوع نگاشته‌اند، تنها به نقل همین نظر بسنده کرده‌اند؛ مانند گنجی شافعی،^{۶۶} ابن خلکان^{۶۷} و ابن صباغ مالکی.^{۶۸} تنها ابن طلحه شافعی است که با پذیرش ماه رمضان، گزارش تولد در ماه رجب را هم با تعبیر «قیل؛ گفته شده» نقل کرده و آن را نپذیرفته است.^{۶۹}

نقد روایت ابن عیاش

نخستین کسی که تولد امام جواد علیه السلام در ماه رجب را گزارش کرده ابن عیاش^{۷۰} است که یک بار در قالب دعایی در ماه رجب با استناد به ابوالقاسم حسین بن روح (م ۳۲۶ هـ.ق) آن را نقل کرده و بار دیگر در قالب گزارشی تاریخی آورده است که امام جواد علیه السلام در روز دهم ماه رجب تولد یافت. کتاب *مصباح المتجهد* شیخ طوسی نیز نخستین منبع ثبت‌کننده این دو گزارش ابن عیاش است که دعا را این گونه آورده: «اللهم انی استلک بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی و ابنه علی بن محمد المنتجب...» و متن گزارش را چنین ثبت کرده است: «و ذکر انه کان یوم العاشر مولد ابی جعفر الثانی».^{۷۱} پس از شیخ طوسی، طبرسی^{۷۲} و سپس برخی دیگر، تولد آن گرامی در ماه رجب را از ابن عیاش نقل کرده‌اند.^{۷۳} ابن طاوس هم دعای یادشده را از طریق شیخ طوسی، از ابن عیاش به ثبت رسانده است.^{۷۴} این گزارش از چند جهت مورد نقد است:

۱. شیخ طوسی، نخستین ثبت‌کننده این گزارش، فقط به نقل آن در کتاب *مصباح*

المتجهد - که کتابی گزارشی است - بسنده کرده، ولی در کتاب *تهذیب الاحکام* که برترین

کتاب پژوهشی اوست، آن را برنتابیده و بر تولد آن حضرت در ماه رمضان تأکید کرده است،^{۷۵} چنانکه طبرسی و ابن شهر آشوب نیز چنین کرده‌اند.^{۷۶}

۲. دو گزارش ابن عیاش به لحاظ اعتبار قابل اعتماد نیست؛ ابن عیاش از عالمان و راویان تاریخ و حدیث بوده است و کتابی نیز در تاریخ امامان علیهم‌السلام به نام *مقتضب الاثر فی عدد الائمة الاثنی عشر* دارد؛ اما به گفته شیخ طوسی و نجاشی (م ۴۵۰ هـ.ق)، حافظه وی در پایان عمر به گونه‌ای ناتوان شده بود که تعبیرها و مطالب را به هم می‌آمیخت و جابه‌جا گزارش می‌کرد.^{۷۷} به نظر می‌رسد گزارش وی درباره تولد امام جواد علیه‌السلام نیز از این دست بوده است که برخی از محققان نیز بر این باورند.^{۷۸} نجاشی با اینکه وی را دوست خود و پدرش می‌خواند و از او مطالب فراوانی شنیده، می‌گوید: «از نقل روایتش پرهیز کردم».^{۷۹} چنانکه شیخ طوسی هم در کتاب *تهذیب الاحکام* به گزارش وی درباره تولد امام جواد علیه‌السلام در ماه رجب اعتنا نکرده است و تولد آن گرامی را در ماه رمضان می‌داند.

۳. با فرض پذیرفتن اعتبار سندی این نقل، در متن دو گزارش ابن عیاش خطایی رخ داده که سبب شده در برخی منابع یادشده، از این نقل با تعبیر «قیل؛ گفته شده» یاد شود.^{۸۰} و در برخی مصادر هم به همین صورت ثبت شده است.^{۸۱}

خطای رخ داده این است که در عبارت «محمد بن علی الثانی» در دعای مربوط به ماه رجب، واژه «الثانی» به اشتباه به جای کلمه «الاول» آمده است و در واقع، تعبیر صحیح آن «محمد بن علی الاول» است؛ چنانکه دو واژه «العاشر» و «الثانی» در جمله «کان یوم العاشر مولد ابی جعفر الثانی» در گزارش ابن عیاش، به اشتباه به جای کلمه «الاول» آمده‌اند و در واقع، تعبیر صحیح چنین است: «کان یوم الاول (من رجب) مولد ابی جعفر الاول» و مقصود از آن در هر دو مورد امام باقر علیه‌السلام است نه امام جواد؛ چرا که در جای خود اثبات شده است که امام باقر علیه‌السلام در روز نخست ماه رجب تولد یافت^{۸۲} و چون کنیه و نام او با امام جواد علیه‌السلام یکی بوده، این جابه‌جایی خطا پیش آمده است. همین خطا در قسمت بعدی آن دعا، یعنی در

جمله «و ابنه علی بن محمد المنتجب» هم تکرار شده است که واژه «ابنه» به خطا به جای «اییه» ثبت شده و جمله با تعبیر «و ابنه علی المنتجب» قرائت شده است و کلمه «علی» هم در این عبارت، به اشتباه، امام هادی علیه السلام دانسته شده است. سپس حاشیه‌نویس واژه «بن محمد» را در حاشیه دعا افزوده که در گذر زمان، در متن دعا جای گرفته و به صورت «و ابنه علی بن محمد المنتجب» قرائت شده است. در حالی که تعبیر درست آن «و اییه علی المنتجب» است و مقصود از آن، علی بن ابی طالب علیه السلام است نه امام هادی علیه السلام، چرا که در میان امامان معصوم علیهم السلام غیر از امام باقر علیه السلام، تنها حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام در ماه رجب تولد یافته است و امام هادی علیه السلام هم به گفته منابع معتبر در ماه ذی الحجه متولد شده است.^{۸۳}

گواه این سخن این است که اگر مقصود از دو عبارت «محمد بن علی» و «علی المنتجب» امام جواد و امام هادی علیهم السلام باشند، نباید در آغاز این دعا، جمله «بالمولودین فی رجب» گفته می‌شد، بلکه باید می‌فرمود: «اللهم انی اسئلك بالمولودین فی رجب...» تا تولد چهار امام در این ماه را شامل شود. و اگر گفته شود مقصود از این تعبیر، همین دو امامی است که در این دعا نام برده می‌شوند، در پاسخ گفته می‌شود: معیار این سوگند و دعا، تولد امامانی است که در ماه رجب رخ داد و موجب شد تا این ماه شرافت بیشتری بیابد؛ حال چه خصوصیتی در تولد دو امام جواد و هادی علیهم السلام وجود داشت که سبب شود تنها نام آن دو امام علیهم السلام مورد سوگند قرار گیرد، نه دو امام دیگر؟ با اینکه بر این فرض، همگی در این ماه متولد شده‌اند و نزد انشاءکننده دعا، فزونی شرافت این ماه به واسطه تولد حضرت امیرمؤمنان علیه السلام و امام باقر علیه السلام در این ماه، یقینی بوده است.

با این نشانه‌ها باید گفت مقصود از کلمه «بالمولودین» و نام‌های پس از آن، حضرت امیرمؤمنان و امام باقر علیهم السلام هستند و تنها این دو امام، متولدان در این ماه هستند، و این دعا و گزارش نقل شده از ابن عیاش دلیل تولد امام جواد و هادی علیهم السلام در ماه رجب نیست

و این اشتباه یا از سوی نسخه‌برداران بوده - که نمونه‌های آن در نسخه‌برداری فراوان است - و یا خود ابن عیاش به دلیل حالت یادشده دچار این اشتباه شده است. همان گونه که گفته شد، پیش از ابن عیاش، همگی راویان و نگارندگان بزرگ چون نوبختی، کلینی و مسعودی بر تولد امام جواد علیه السلام در ماه رمضان تأکید کرده، از تولد آن حضرت در ماه رجب نام نبرده‌اند و در دوران وی نیز بزرگانی چون صدوق و شیخ مفید با اینکه به منابع درخور و معتبر دسترسی داشتند، هیچ گونه اشاره‌ای به سخن ابن عیاش نکرده‌اند. این نمونه‌ها، نادرستی گزارش ابن عیاش در این باره را گواهی می‌کند. برآیند آنچه گفته شد، اعتبار گزارش‌هایی است که تولد امام جواد علیه السلام را در ماه رمضان دانسته‌اند.

زادروز

در اینکه آن گرامی در چه روزی از ماه مبارک رمضان دیده به جهان گشود، نیز میان نگارندگان منابع یادشده توافقی نیست؛ برخی از آنان تنها به تولد آن حضرت در ماه رمضان بسنده کرده و روزش را تعیین نکرده‌اند مانند کلینی،^{۸۴} شیخ مفید در دو کتابش *المقنعة و الارشاد*،^{۸۵} شیخ طوسی،^{۸۶} گنجی شافعی،^{۸۷} ابن طقطقی،^{۸۸} علامه حلی،^{۸۹} و شهید اول.^{۹۰} گروه دیگر که به روز تولد اشاره کرده‌اند، با پراکندگی روزهای پنجم،^{۹۱} نهم،^{۹۲} پانزدهم،^{۹۳} هفدهم^{۹۴} و نوزدهم^{۹۵} ماه رمضان را ثبت کرده‌اند. از میان این نقل‌ها، می‌توان بر یکی از دو گزینه پانزدهم یا نوزدهم ماه رمضان تکیه کرد و نیز می‌توان گفت دیگر نقل‌ها به این دو مورد باز می‌گردند؛ یعنی نقل پنجم و نهم ماه رمضان در گزارش اصلی، پانزدهم و نوزدهم ماه رمضان بوده که در هر دو مورد اشتباه رخ داده است؛ چنانکه در نسخه چاپ‌شده *مطالب السؤل* ابن طلحه شافعی، نهم ماه رمضان ثبت شده؛ ولی در نسخه دیگر این کتاب که نزد اربلی بوده، نوزدهم ماه رمضان به ثبت رسیده است. گزارش تولد وی در هفدهم ماه رمضان، که طبرسی^{۹۶} و سبزواری^{۹۷} آن را ثبت کرده‌اند، نیز در واقع گزارش از زاده شدن آن حضرت در نوزدهم ماه رمضان است که به جهت بی‌نقطه

بودن دو واژه سابع و تاسع در خط کوفی، جابه جا نقل شده اند؛ چنانکه عبارت دهم رجب - که روایت ابن عیاش است و بررسی و نقد آن گذشت - در گزارش طبرسی از ابن عیاش، تبدیل شده است به پانزدهم رجب؛^{۹۸} شیعی سبزواری هم باید با تأثر از طبرسی این قول را ثبت کرده باشد؛ چون منبع دیگری به آن نپرداخته است.

تعیین یکی از دو روز پانزدهم یا نوزدهم ماه رمضان به نام زادروز آن حضرت، مستندی قوی می طلبد که دست یابی به آن بسی دشوار است و شاید علت اینکه نگارندگان کهنی چون کلینی، شیخ مفید - در الارشاد و المقنعة - شیخ طوسی و در پی اینان شهید به آن نپرداخته اند، همین امر باشد.

با این همه، شاید بتوان گزارش تولد آن حضرت در پانزدهم ماه رمضان را ترجیح داد و بر آن، دو گواه گرفت: نخست تأکید نوبختی،^{۹۹} اشعری^{۱۰۰} و حسن بن محمد قمی^{۱۰۱} است که نخستین گزارش گران آن و متقدم بر دیگرانند. گواه دوم نقل شیخ مفید در مسائر الشیعة است که پانزدهم ماه رمضان را برگزیده است.^{۱۰۲} هر چند او در الارشاد و المقنعة هیچ یک از روزهای ماه رمضان را به این نام تعیین نکرده؛ ولی می توان با تمسک به قانون اطلاق و تقیید^{۱۰۳} در گزارش های وی، تولد امام جواد علیه السلام در پانزدهم ماه رمضان را به ایشان نسبت داد. افزون بر این ها، طبری امامی این نقل را به امام عسکری علیه السلام نسبت داده^{۱۰۴} که گواه سومی در این ردیف شمرده می شود.

در اینکه زادروز امام جواد علیه السلام در چه روزی از هفته بوده، بخشی از منابع به آن نپرداخته اند و نگارندگان منابعی که این روز را تعیین کرده اند از شب جمعه نام برده اند که نام مسعودی،^{۱۰۵} فتال،^{۱۰۶} طبری امامی،^{۱۰۷} حسین بن عبدالوهاب،^{۱۰۸} طبرسی،^{۱۰۹} ابن شهر آشوب،^{۱۱۰} اربلی^{۱۱۱} و کفعمی^{۱۱۲} در میان آنان دیده می شود. تنها ابن خلکان روز سه شنبه را ثبت کرده^{۱۱۳} که در گزارش خود تنهاست.

بر اساس مطالب یادشده باید گفت میلاد امام جواد علیه السلام در ماه رمضان سال ۱۹۵ قمری و از بین دو تاریخ پانزدهم و نوزدهم، ترجیحاً در پانزدهم این ماه مبارک بوده است.

ب. شهادت**سال**

بخش زیادی از منابع اهل سنت به سال شهادت امام جواد علیه السلام نپرداخته‌اند؛ ولی آن دسته که در این باره نگاشته‌اند، هماهنگ با منابع شیعیان، بر شهادت آن حضرت در سال ۲۲۰ هجری تأکید دارند.^{۱۱۴} تنها چند گزارش از سال‌های دیگر نام برده‌اند که بررسی و نقد خواهند شد.

نشانه دیگر شهادت امام جواد علیه السلام در سال ۲۲۰ هجری، حدود ۲۵ ساله بودن ایشان در وقت شهادت است. همه منابعی که درباره دوران زیستن آن حضرت سخن گفته‌اند، این دوران را ۲۵ سال دانسته‌اند،^{۱۱۵} و همین منابع سن به امامت رسیدن آن حضرت را بین هفت تا هشت سال ثبت کرده‌اند. این مطلب نیز در جای خود ثابت شده است که سال شهادت امام رضا علیه السلام ۲۰۳ هجری بوده^{۱۱۶} و هفت تا هشت ساله بودن امام جواد علیه السلام در این هنگام، با تولد وی در سال ۱۹۵ هجری مطابقت دارد و ۲۵ سال پس از سال ۱۹۵، مطابق با سال ۲۲۰ هجری خواهد بود.

نشانه سوم، چند گزارشی است که شهادت آن گرامی را در سال‌های دیگر دانسته‌اند و پذیرفتنی نیستند؛ که از این قرارند:

۱. کلینی روایتی از علی بن مهزیار نقل می‌کند که بر اساس آن امام جواد علیه السلام در سال ۲۲۵ هجری زنده بوده است؛ پسر مهزیار می‌گوید: در (یکی از روزهای) سال ۲۲۵، امام علیه السلام را پس از طلوع خورشید، در بخش نخست روز، در طواف وداع کعبه مشاهده کردم و این در حالی بود که وی هفت بار به دور کعبه گشت و هر بار رکن یمانی را استلام کرد و در شوط هفتم، رکن یمانی و حجرالاسود، هر دو را استلام کرد. آن گاه افزوده است: «سپس در سال ۲۱۷ هجری وی را شبانه در حال طواف کعبه مشاهده کردم» و شیوه طواف را، با کمی تفاوت از روش پیش گفته، نقل کرده است.^{۱۱۷}

باید گفت ثبت عبارت «فی سنة خمس و عشرين و مائتین» در این روایت، از اشتباه

نسخه بردار است و تعبیر «فی سنة خمس عشرة و مائتین» درست است؛ چرا که اولاً از روند و ساختار گزارش پسر مهزیار برمی آید که طواف دوم امام که در سال ۲۱۷ هجری انجام گرفته، پس از طواف نخست او باشد. پس طواف اول باید در سال ۲۱۵ باشد نه ۲۲۵؛ ثانیاً شیخ طوسی همین روایت را با همین سند از کلینی نقل کرده و سال این دو زیارت را ۲۱۵ و ۲۱۷ هجری ثبت کرده و افزوده که نسخه ۲۲۵ هجری، خطاست.^{۱۱۸} این تصریح شیخ طوسی گواهی می‌دهد که نسخه‌ای از *الکافی* در اختیار وی بوده که این سال را ۲۱۵ هجری ثبت کرده است. مرحوم علی اکبر غفاری - نسخه‌شناس و حدیث‌شناس و مصحح کتاب *الکافی* - نیز می‌گوید: به نسخه‌ای از کتاب *الکافی* دست یافتم که این روایت در آن، با تعبیر سال ۲۱۵ و ۲۱۷ ثبت گردیده است.^{۱۱۹} و ثالثاً خود کلینی که این روایت در کتاب او ثبت شده، این تاریخ را نپذیرفته و در این باره بر سال ۲۲۰ هجری تأکید کرده است.^{۱۲۰}

۲. شیخ مفید در یک مورد از سه موردی که در کتاب *الارشاد*، سال شهادت امام جواد علیه السلام را ذکر کرده، سال ۲۲۵ هجری را ثبت کرده است.^{۱۲۱} طبرسی نیز همین گزارش را در کتاب خود آورده و به شیخ مفید نسبت داده است.^{۱۲۲} ولی این نقل کتاب *الارشاد*، اشتباه نسخه‌بردار بوده که به کتاب طبرسی نیز راه یافته است؛ چرا که شیخ مفید در دو مورد دیگر کتاب *الارشاد*، همچنین در دو کتاب *المقنعة* و *مسار الشیعة*، شهادت امام را در سال ۲۲۰ هجری دانسته است.^{۱۲۳}

۳. مسعودی در یک گزارش خود، شهادت امام جواد علیه السلام را در سال ۲۱۹ هجری ثبت کرده است.^{۱۲۴} ابن تغری^{۱۲۵} و ابن طولون (م ۹۳۵ ه.ق)^{۱۲۶} نیز، به نقل همین گزارش بسنده کرده و بر آن استدلال نکرده‌اند؛ ولی مسعودی در گزارش دیگرش شهادت آن گرامی در سال ۲۲۰ هجری را ترجیح داده^{۱۲۷} و بر آن استدلال کرده است؛ چنانکه ابن خلکان و ذهبی با نقل هر دو گزارش، بر شهادت ایشان در سال ۲۲۰ تأکید کرده و سال ۲۱۹ را نپذیرفته‌اند.^{۱۲۸} قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹ق) نیز گزارش کرده که صاحب کتاب *نزهة*

الجلس و ابن تیمیه، با تردید بین سال‌های ۲۱۹ و ۲۲۰ قمری، در این باره نگاشته‌اند^{۱۲۹} و این تردید، خود نشانه بی‌پایگی گزارش شهادت آن گرامی در سال ۲۱۹ است. اربلی شهادت امام جواد علیه السلام در سال ۲۲۶ هجری را از محمد بن سعد نقل کرده و در ادامه، شهادت حضرت را در پنجم ذی الحجه سال ۲۲۰ هجری دانسته است. این در حالی است که اربلی در همین نقل، سال تولد حضرت را ۱۹۵ هجری و مدت عمر ایشان را ۲۵ سال، ثبت کرده است^{۱۳۰} که ۲۵ سال پس از سال ۱۹۵، مطابق با سال ۲۲۰ خواهد بود. پس ثبت سال ۲۲۶ هجری به عنوان تاریخ شهادت، خطای نسخه‌برداران به شمار می‌آید. از آنچه گفته شد برمی‌آید که گزارش شهادت امام جواد علیه السلام در سال ۲۲۰ هجری گزارش استواری است.

ماه

نگارندگان منابع کهن درباره ماه شهادت امام جواد علیه السلام اتفاق نظر ندارند؛ برخی به آن نپرداخته‌اند و گروهی که از آن سخن گفته‌اند - به جز ابن طقطقی^{۱۳۱} و کفعمی^{۱۳۲} که از متأخرانند - همگی میان دو ماه ذی القعدة و ذی الحجه پراکنده نظرند. این پژوهش با تتبع در این باره، به دلایل زیر شهادت آن گرامی را در ماه ذی القعدة می‌داند:

۱. هرچند شمار گزارش‌گران شهادت ایشان در دو ماه یاد شده، از دو گروه شیعه و اهل سنت اندک نیستند، بیشتر منابع شیعیان^{۱۳۳} و بخشی از منابع سنیان^{۱۳۴} این رخداد را در ماه ذی القعدة دانسته‌اند و در میان اینان کسانی چون نوبختی، اشعری، کلینی حضور دارند که به دوران آن گرامی نزدیک بوده‌اند و منابع فراوانی نیز در اختیار داشته‌اند که بعدها از میان رفته است. اینان با اینکه به گزارش شهادت حضرت، در ماه ذی الحجه دسترسی داشتند^{۱۳۵} آن را برنگزیده‌اند و بر شهادت وی در ماه ذی القعدة تأکید کرده‌اند.
۲. نخستین کسی که شهادت امام جواد علیه السلام در ماه ذی الحجه از او گزارش شده، محمد بن سنان است.^{۱۳۶} سپس محمد بن سعد نیز از راویان این خبر به شمار می‌رود.^{۱۳۷} منابع شیعیان و سنیان یا با استناد به این دو، آن گزارش را نقل کرده‌اند و یا بدون استناد

به آنان، به آوردن اصل گزارش بسنده کرده‌اند.^{۱۳۸} محمد بن سنان راوی نخست این نقل، در سال ۲۲۰ درگذشته است^{۱۳۹} بی آنکه ماه آن معلوم باشد و این در حالی است که منابع یاد شده، شهادت امام جواد علیه السلام را در آخر ذی القعدة یا در روزهای نخست ماه ذی الحجة همان سال دانسته‌اند و این دو، ماه‌های پایانی سال هستند. پس محمد بن سنان نمی‌تواند خبر یادشده را گزارش کند و اگر بپذیریم که محمد بن سنان پس از گزارش این خبر، در همان ماه ذی الحجة درگذشته - که دلیلی بر آن نداریم - باید گفت ثبت این تاریخ به عنوان تاریخ شهادت امام جواد علیه السلام باید از راویان دیگر نیز نقل می‌شد؛ چون خبر و تاریخ دقیق درگذشت افراد سرشناس موضوعی نیست که مورد غفلت قرار گیرد و پذیرش گزارش محمد بن سنان به این معناست که این نکته درباره شهادت امام جواد علیه السلام صادق نبوده است. وانگهی کلینی که این روایت را از محمد بن سنان نقل کرده، تاریخ یادشده در آن را نپذیرفته است. از سوی دیگر محمد بن سعد یا محمد بن سعید، راوی دیگر این روایت، ناشناخته است^{۱۴۰} و به گزارش چنین فردی بی‌آنکه پشتیبانی داشته باشد، نمی‌توان اعتماد کرد.

۳. بر پایه گزارش کلینی، در روز سوم ذی الحجة سال ۲۲۰ هجری، احمد بن خالد از موالی امام جواد علیه السلام و حسن بن محمد جوانی یکی از نوادگان امام سجاد، نزد جمعی، به صورت کتبی و شفاهی گواهی دادند که امام جواد علیه السلام (در یکی از روزها) جلسه‌ای تشکیل داد و پسرش علی بن محمد (امام هادی علیه السلام) را وصی خود قرار داد و عبدالله بن مساور - یکی از یاران نزدیکش - را تعیین کرد که پس از آن حضرت تا بالغ شدن فرزندان ایشان، عهده‌دار امور مالی آنان باشد. آنگاه چنین گفتند: «در همین روز [سوم ذی الحجة] عبدالله بن مساور به اجرای وصیت امام جواد علیه السلام پرداخته است».^{۱۴۱}

با توجه به اینکه: ۱. فرزندان امام جواد علیه السلام^{۱۴۲} و افراد یادشده همگی در مدینه می‌زیستند؛ ۲. به‌کارگیری عبدالله بن مساور برای اجرای وصیت آن گرامی، در سوم ذی الحجة^{۱۴۳} بوده است؛ ۳. گواهی دادن افراد پیشین بر این وصیت نیز در همین روز بوده

است؛ این نتیجه به دست می‌آید که اصل شهادت آن بزرگوار - که در بغداد رخ داد - چند روز پیش از این بوده و خبر آن، در روز سوم ذی الحجه به خاندان و دوستان آن عزیز در مدینه رسیده است؛ چنانکه این فاصله چند روزه را برخی منابع نیز، ثبت کرده و گفته‌اند (در یکی از روزهایی که امام جواد علیه السلام در بغداد به سر می‌برد) پسرش امام هادی علیه السلام نزد عمه پدرش، ام‌موسی رفت و در حالی که به شدت نگران بود، خود را بر دامنش انداخت. ام‌موسی سبب را پرسید. وی پاسخ داد: «به خدا قسم هم اینک پدرم درگذشت». افراد حاضر، آن تاریخ و ساعت و روز را یادداشت کردند. چند روز بعد، از بغداد خبر آمد که امام جواد علیه السلام در همان روز و ساعتی که امام هادی علیه السلام از آن خبر داده بود درگذشته است.^{۱۴۴} پس، اگر از محمد بن سنان و محمد بن سعد، تاریخ شهادت آن بزرگوار روز ششم یا پنجم ذی الحجه گزارش شده،^{۱۴۵} به جهت انتشار همگانی این خبر در این روز بوده است که همین روز را به نام روز شهادت آن گرامی ثبت کرده‌اند. با این استدلال باید گفت گزارش شهادت امام جواد علیه السلام در ماه ذی القعدة سخن استواری است.

روز

بیان شد که شهادت آن حضرت در ماه ذی القعدة بود، اما منابع درباره روز شهادت هم سخن نیستند؛ برخی بدون ذکر روز، به ثبت ماه ذی القعدة بسنده کرده‌اند^{۱۴۶} و برخی با پراکندگی، از روزهای پنجم، یازدهم و آخر ذی القعدة نام برده‌اند.

باید گفت آن گرامی در آخرین روز ماه ذی القعدة بدرود حیات گفت؛ زیرا این گزارش در منابع معتبری ثبت گردیده که در اکثریتند و می‌توان نام نوبختی،^{۱۴۷} اشعری،^{۱۴۸} کلینی،^{۱۴۹} قمی،^{۱۵۰} شیخ مفید،^{۱۵۱} شیخ طوسی،^{۱۵۲} فتال،^{۱۵۳} طبرسی،^{۱۵۴} ابن شهر آشوب،^{۱۵۵} شهید اول،^{۱۵۶} ابن صباغ مالکی،^{۱۵۷} عاملی،^{۱۵۸} و قاضی نورالله^{۱۵۹} را در میان نگارندگان آن‌ها مشاهده کرد؛ در حالی که گزارش پنجم ذی القعدة، تنها در کتاب *نزهة الجلیس*^{۱۶۰} ثبت شده که در این گزارش متفرد و از منابع متأخر است و نقل شهادت آن حضرت در یازدهم ذی القعدة هم در کتاب *الدروس شهید با تعبیر «قیل؛ گفته شده»* آمده است؛ در

حالی که خود شهید بر شهادت آن حضرت در روز پایانی این ماه تأکید دارد.^{۱۶۱} بنابراین می‌توان گفت امام جواد علیه السلام در آخرین روز ماه ذی القعدة سال ۲۲۰ هجری، پس از سپری کردن هفده سال و نه ماه قمری از دوران امامتش به شهادت رسید و این در حالی بود که حدود دو ساعت از طلوع آفتاب گذشته بود.^{۱۶۲}

منابعی که شهادت را در آخر ذی القعدة دانسته‌اند، یاد نکرده‌اند که چه روزی از هفته بوده است. تنها دو گزارشی که تاریخ شهادت را پنجم یا ششم ذی الحجه دانسته‌اند به اختلاف، سه شنبه^{۱۶۳} و شنبه^{۱۶۴} را ثبت کرده‌اند که سه شنبه در گزارش‌های بیشتری آمده است. با توجه به اینکه خبر شهادت آن امام در مدینه به صورت رسمی در روز پنجم یا ششم ذی الحجه پخش شد و آن روز، سه شنبه بوده است؛^{۱۶۵} می‌توان گفت آخر ذی القعدة - یعنی روز شهادت - روز چهارشنبه بوده است.

بر اساس مطالب یادشده باید گفت شهادت امام جواد علیه السلام در روز چهارشنبه آخر ذی القعدة سال ۲۲۰ قمری رخ داده است.

سبب شهادت

امام جواد علیه السلام پس از شهادت پدرش، هنگامی که کمتر از هشت سال داشت، عهده‌دار امامت الهی و پیشوای مردم در ابعاد مختلف دینی شد و به پاسداری از آن پرداخت. هرچند با سن کمی که داشت به چشم دیگران نمی‌آمد،^{۱۶۶} طرحی نو در انداخت و با گفت‌وگوهای علمی با عالمان به نام آن دوران، منزلت علمی و فضیلت‌های نهادینش را برای همگان برجسته کرد^{۱۶۷} و در افکار عمومی، رویکردی تازه درباره امامت در افکند. در این فرایند، دلدادگان به اهل بیت علیهم السلام خرسند شدند و ارتباط و اتصال به منبع وحی را از این راه استمرار بخشیدند و در برابر منحرفان، سر برافراشتند.^{۱۶۸} در این میان عباسیان که حکومت را در چنگ خود داشتند و برای آینده آن، برنامه ریزی کرده بودند، از روند این شرایط خرسند نبودند و بر مأمون - که به ظاهر از امام جواد علیه السلام جانب‌داری می‌کرد - خرده می‌گرفتند و مأمون در پاسخ آنان به علم امام علیه السلام استناد می‌کرد^{۱۶۹} که شرح آن در این مجال نگنجد.

به هر روی دوران مأمون (م ۲۱۸هـ.ق) به سر آمد، ولی کینه عباسیان از امام جواد علیه السلام ادامه یافت. طولی نکشید که توطئه ترور آن گرامی با هم‌دستی همسرش *ام‌فضل* و برادر همسرش جعفر بن مأمون سر برآورد. معتصم عباسی (حک: ۲۱۸-۲۲۷هـ.ق) برادر مأمون که همواره در اندیشه قتل آن گرامی بود به واسطه‌گری جعفر بن مأمون، *ام‌فضل*، همسر امام جواد علیه السلام را واداشت تا شوهرش را از پا درآورد. *ام‌فضل* که از امام علیه السلام بچه‌دار نشده بود و از آن حضرت به سبب مادر امام هادی علیه السلام، دل‌چرکین بود، با اثرپذیری از برادرش جعفر، انگور رازقی^{۱۷۰} را به زهر آلود و به همسر جوانش خورانید و وی را در سال ۲۲۰ هجری به شهادت رسانید و بدین طریق نام خود را در فهرست سیاه زنان بدکردار ثبت کرد.

در کتاب *التفسیر عیاشی* (م ۳۲۰هـ.ق)، سبب شهادت امام جواد علیه السلام، غذای مسمومی دانسته شده که به نیرنگ ابن ابی‌دؤاد، قاضی دوران معتصم به امام خورانیده شد و در توضیح آن، آمده است که امام جواد علیه السلام درباره چگونگی بریدن دست دزدی، فتوایی داد که ابن ابی‌دؤاد در این موضوع فتوای دیگری داشت. معتصم فتوای امام جواد علیه السلام را اجرا کرد؛ این شد که ابن ابی‌دؤاد کینه امام علیه السلام را به دل گرفت و بعدها نزد معتصم از امام جواد علیه السلام بدگویی کرد و او را واداشت تا مجلسی تشکیل دهد و امام جواد علیه السلام را در آن فراخواند و غذای مسمومی به او بخوراند و آن حضرت را به شهادت برساند و معتصم نیز چنین کرد.^{۱۷۱} ابن شهرآشوب نیز در مناقب، شهادت وی را با شربت سرد گزارش کرده،^{۱۷۲} چنانکه طبری امامی و ابن شهرآشوب این گزارش را نیز آورده‌اند که *ام‌فضل* حوله مسمومی را در اختیار آن حضرت نهاد که استفاده از آن، شهادت آن حضرت را در پی داشته است.^{۱۷۳}

مرقد

۲۵ بهار از عمر امام جواد علیه السلام سپری گشته بود که در نخستین روزهای سال ۲۲۰ هجری^{۱۷۴} - ماه محرم این سال - به فرمان معتصم عباسی از مدینه به بغداد کوچ داده شد

و دو روز از این ماه مانده بود که وارد بغداد شد^{۱۷۵} و این در حالی بود که همسرش امّ فضل، وی را همراهی می کرد. امام علیه السلام حدود ده ماه در بغداد تحت مراقبت معتصم به سر برد و سرانجام معتصم دستور داد او را مسموم کنند. وی برای تبرئه خود، در پانزدهم ذی القعدة همین سال، بغداد را به سوی سامرا ترک کرد^{۱۷۶} و در غیابش فرمان وی اجرا شد. واثق (حک: ۲۲۷-۲۳۲هـ.ق)، پسر معتصم، در میان مردم بر پیکر امام جواد علیه السلام نماز گزارد^{۱۷۷} و این نماز غیر از نمازی بود که امام هادی علیه السلام به تنهایی بر او گزارده بود.^{۱۷۸} آن گاه این پیکر پاک، پس از تجهیز و تکفین، در قبرستان قریش بغداد (کاظمین فعلی) پشت قبر جد گرامی اش امام کاظم علیه السلام به خاک سپرده شد^{۱۷۹} و اینک بارگاه ملکوتی این دو امام همام در شهر کاظمین عراق، قبله آمال دوستان و شیعیان جهان است و روایاتی بر فضیلت زیارت مرقد ملکوتی آن بزرگواران تأکید دارند.^{۱۸۰}

گفتنی است در گستره تاریخ، برای نابودی و بی نشانه کردن این مرقد شریف، تلاش‌هایی انجام شد که به ناکامی انجامید؛ برای نمونه ابن شهر آشوب گوید: ابن همدانی فقیه برای کتاب *تجارب الأمم* ابن مسکویه (۴۲۱هـ.ق) تکمله‌ای نگاشته که نامش *راتمه تاریخ ابی شجاع وزیر نهاده است*. وی در این کتاب می گوید پس از آنکه در حکومت سلجوقیان، فرماندار بغداد زهیری و *ابن بُدن* در سال ۴۴۹ق، به شیعیان و شهر کاظمین هجوم بردند^{۱۸۱} و قبرستان قریش (کاظمین) را به آتش کشیدند و به دو امام بزرگوار اهانت فراوان کردند، برای گشودن ضریح امام جواد علیه السلام و حفر قبر او و انتقال استخوان‌هایش (پیکر پاکش) به قبرستان احمد (احمد بن حنبل) کوشش سختی به عمل آوردند، ولی تراکم خاک‌های بنای تخریب شده و خاکستر آتش سوزی، سبب شد تا نتوانند این مرقد شریف را به دقت شناسایی کنند.^{۱۸۲}

به رغم این همه کینه‌ورزی دشمنان و بدخواهان اهل بیت علیهم السلام، به لطف خدای بزرگ، این بارگاه پاک، همواره مورد توجه مشتاقان آن خاندان بوده و با نوسان‌هایی که داشته از تعمیر و بازسازی دوستان اهل بیت علیهم السلام بازمانده است و اکنون این بارگاه ملکوتی، یکی

از زیارتگاه‌های مهم انبوه مشتاقان به شمار می‌آید.

نتیجه

از بررسی و ارزیابی گزارش‌های تاریخی مربوط به ولادت و شهادت امام جواد علیه السلام، این نتیجه به دست آمد که در بخش تولد، درباره سال ولادت، سه گزارش - ۱۷۰، ۱۷۵ و ۱۹۵ قمری - ثبت شده که دو نقل نخست از خطای نسخه‌برداران و گزارش سال ۱۹۵ قمری صحیح و پذیرفته همگان است. در گزینه ماه و روز تولد، هشت گزارش: دهم و پانزدهم ماه رجب، پنجم، نهم، پانزدهم، هفدهم و نوزدهم ماه رمضان و همچنین ماه رمضان بدون تعیین روز آن، ثبت شده است. دو گزارش دهم و پانزدهم ماه رجب از ابن عیاش است که به جهت آمیختگی و جابه‌جایی در گزارش‌گری ابن عیاش پذیرفته نیست. درباره نقل‌های مربوط به ماه رمضان می‌توان گفت، گزینه پنجم ماه رمضان، به پانزدهم آن برمی‌گردد؛ چنانکه نقل نهم و هفدهم ماه رمضان، به نوزدهم آن بازمی‌گردند. در میان دو گزینه پانزدهم و نوزدهم ماه رمضان، گزارش پانزدهم به دو جهت ترجیح دارد: ۱. نوبختی و اشعری، نخستین گزارش‌گر آنند و این دو از نگارندگان معتبرند. ۲. نقل‌های آنان نیز، به روایت منسوب به امام عسکری علیه السلام - که اینان معاصر آن حضرتند - همچنین به نقل‌های متقدم تاریخی پشتیبانی می‌شود.

در بخش شهادت، می‌توان گفت، تفاوت نقل‌ها درباره سال آن، چندان جدی نیست و می‌توان وفاق نسبی را ادعا کرد؛ یعنی سال ۲۲۰ قمری پذیرفته همگان است و گزارش‌های سال ۲۱۷ و ۲۱۹ و ۲۲۵ و ۲۲۶ قمری در این محور، یا از خطای در ثبت و یا بی‌پایگی گزارش است. در گزینه ماه و روز شهادت، شش گزارش: سوم، پنجم، ششم ذی الحجه، پنجم، یازدهم و آخر ذی القعدة ثبت شده که نقل سوم، پنجم، ششم ذی الحجه مربوط به انتشار خبر شهادت در این روزها در مناطقی است که گزارش‌گر در آن می‌زیسته است. گزارش پنجم و یازدهم ذی القعدة هم به دلیل ضعیف و متفرد بودن، و نقل برخی در منابع متأخر، پذیرفتنی نیست. در نتیجه آخرین روز ماه ذی القعدة به نام روز

شهادت پذیرفتنی است؛ زیرا این نقل در منابع معتبر که در اکثریتند ثبت شده و می‌توان نام نوبختی، اشعری، کلینی، حسن بن محمد قمی، شیخ مفید، شیخ طوسی، فتال نیشابوری، طبرسی، ابن شهر آشوب، شهید اول، ابن صباغ مالکی، عاملی پدر شیخ بهایی و قاضی نورالله را در میان نگارندگان آن مشاهده کرد.



پی‌نوشت‌ها

۱. نوبختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعه*، دوم، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۴ق، ص ۹۱.
۲. ابن ابی‌الثلج، ابوبکر محمد بن احمد بغدادی، *تاریخ اهل‌البيت*، تحقیق سید محمدرضا حسینی، اول، قم: مؤسسه آل‌البيت، ۱۴۱۰ق، ص ۱۳.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۹۲.
۴. مسعودی، علی بن حسین، *اثبات‌الوصیة*، دوم، قم: منشورات رضی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۳.
۵. قمی، حسن بن محمد، *تاریخ قم*، تصحیح جلال‌الدین تهرانی، [بی‌جا]: توس، ۱۳۶۱، ص ۲۰۰.
۶. شیخ مفید، *الارشاد*، اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۷۳؛ همو، *مسار الشیعه* (مصنفات شیخ مفید، ج ۷)، اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴؛ همو، *المقنعة* (مصنفات شیخ مفید، ج ۱۲)، اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۸۲.
۷. حسین بن عبدالوهاب، *عیون‌المعجزات*، قم: مکتبه‌الداوری، افسست از نجف: مطبعة الحیدریة، ۱۳۹۵ق، ص ۱۲۱.
۸. شیخ طوسی، *تهذیب‌الاحکام*، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، دوم، نجف: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ق، ج ۶، ص ۱۰۲؛ همو، *مصباح‌المتجهد*، تصحیح حسین اعلمی، اول، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۵۷.
۹. طبری امامی، محمد بن جریر، *دلائل‌الامامة*، تحقیق مؤسسه بعثت، اول، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸۳.
۱۰. فتال نیشابوری، *روضه‌الواعظین*، اول، [بی‌جا]: انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۸، ص ۲۴۳.

١١. طبرسی، امین الاسلام، اعلام الوری باعلام الهدی، تحقیق مؤسسة آل البيت عليهم السلام، اول، قم: آل البيت عليهم السلام، ١٤١٧ق، ج ٢، ص ٩١؛ «تاج الموالید»، مجموعة نفیسة، تحقیق آیت الله مرعشی نجفی، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ١٤٠٦ق، ص ١٥٦.
١٢. ابن فندق بیهقی، علی بن ابی القاسم، لباب الانساب، تحقیق سید مهدی رجایی، اول، قم: کتابخانه مرعشی، ١٤١٠ق، ج ١، ص ٣٩٤.
١٣. ابن خشاب، عبدالله بن احمد، «تاریخ موالید الائمة و وفیاتهم»، مجموعة نفیسة، تحقیق آیت الله مرعشی نجفی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ١٤٠٦ق، ص ١٩٥.
١٤. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ٤، ص ٤١١.
١٥. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ١٣٨١ق، ج ٢، ص ٣٤٥.
١٦. ابن طقطقی، محمد بن تاج الدین، الاصلی فی انساب الطالبین، تحقیق سید مهدی رجایی، اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ١٤١٨ق، ص ١٥٦.
١٧. شیعی سبزواری، ابوسعید حسن بن حسین، راحة الارواح، تحقیق محمد سپهری، اول، قم: اهل قلم و میراث مکتوب، ١٣٧٥، ص ٢٣٩.
١٨. شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة، تحقیق نشر اسلامی، اول، قم: نشر اسلامی، ١٤١٢ق، ج ٢، ص ١٤.
١٩. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، دوم، قم: منشورات الرضی، [بی تا]، ص ٥٢٣.
٢٠. عاملی، حسین بن عبدالصمد، وصول الاخیار الی اصول الاخیار، تحقیق سید عبداللطیف الکوهمری، قم: مجمع الذخائر الاسلامیة، ١٤٠١ق، ص ٤٣.
٢١. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت: دار الکتب العربی، [بی تا]، ج ٣، ص ٥٥.
٢٢. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر و مصطفی عبدالقادر عطا، اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤١٢ق، ج ١١، ص ٦٢.

۲۳. ابن طلحه شافعی، محمد، *مطالب السؤل*، اول، بیروت: مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۹ق، ص ۳۰۳.
۲۴. سبط بن جوزی، یوسف بن فرغلی بن عبدالله، *تذکرة الخواص*، مقدمه سید محمدصادق بحرالعلوم، تهران: مکتبه نینوا، [بی تا]، ص ۳۵۸.
۲۵. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، *کفاية الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب*، تحقیق محمدهادی امینی، سوم، تهران: دار احیاء التراث اهل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵۸.
۲۶. ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الاعیان*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار الثقافة، [بی تا]، ج ۴، ص ۱۷۵.
۲۷. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، اول، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۳۸۵.
۲۸. ابن تغری، یوسف، *النجوم الزاهرة*، قاهره: دار الکتب، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۲۳۱.
۲۹. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، *الفصول المهمة*، تحقیق سامی الغریری، اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۰۳۷.
۳۰. جوینی، ابراهیم بن محمد، *فرائد السمطین*، تحقیق محمدباقر محمودی، اول، بیروت: مؤسسه محمودی، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۲۰۹.
۳۱. اشعری، سعد بن عبدالله، *المقالات و الفرق*، تصحیح محمدجواد مشکور، دوم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، ص ۹۹.
۳۲. قاضی نورالله شوشتری، *احقاق الحق*، تعلیقه آیت الله مرعشی نجفی، اول، تهران: مکتبه اسلامیه، ۱۳۹۶ق، ج ۱۲، ص ۴۱۶، به نقل از: مکی، عباس، *نزهة الجلیس*، ج ۲، ص ۶۹.
۳۳. اشعری آغاز امامت امام جواد علیه السلام را در حدود هشت سالگی و در سال ۲۰۳ و مدت آن را نیز هفده سال دانسته و همچنین سال شهادت ایشان را ۲۲۰ هجرت گزارش کرده است *(المقالات و الفرق*، ص ۹۶-۹۹). برآیند به امامت رسیدن در هشت سالگی و هفده سال بودن مدت امامت، این

است که آن حضرت هنگام شهادت ۲۵ سال داشته و با کم کردن ۲۵ از ۲۲۰، ۱۹۵ باقی می‌ماند؛ در نتیجه سال ولادت آن بزرگوار سال ۱۹۵ هجری بوده که به خطا ۱۷۵ ثبت شده است.

۳۴. نوبختی، پیشین، ص ۹۱.

۳۵. مسعودی، اثبات الوصیه، پیشین، ص ۱۸۶.

۳۶. نوبختی، پیشین، ص ۸۸؛ اشعری، پیشین، ص ۹۵.

۳۷. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، تصحیح حسن مصطفوی، اول، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸، ص ۴۶۸، شماره ۸۹۳؛ قهبایی، عنایت الله، مجمع الرجال، تصحیح سید ضیاءالدین اصفهانی، دوم، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۱۴۵ (مطالب یادشده در متن، درباره ابویحیی منصور بن یونس برزج است). شیخ طوسی در کتاب الغیبه (تحقیق عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، دوم، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۳-۷۲)، درباره مقدار مال مسدود شده نزد برخی از آنان چنین گفته است: نزد زیاد قندی و حمزه بن بزیع هفتاد هزار دینار، پیش عثمان بن عیسی رواسی، سی هزار دینار، نزد احمد بن ابی‌بشر سراج، ده هزار دینار مسدود شد. امام رضا علیه السلام در نامه‌ای به آنان، بازپرداخت این پول‌ها را مطالبه کرد که آنان نپذیرفتند و این کار به این انجامید که آنان امامت امام رضا علیه السلام را انکار کردند. آن بزرگوار درباره سرانجام این انکار چنین فرمود: «امروز اینان [در امامت من] شک دارند، ولی به وقت مرگشان زندیق و بی‌دین می‌میرند». ابن شهر آشوب نیز، این مطالب را در مناقب آل ابی‌طالب (ج ۴، ص ۳۶۴) به نقل از شیخ طوسی ثبت کرده است.

۳۸. درباره امام حسن مجتبی علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام

۳۹. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح سید مهدی لاجوردی، قم: دار

العلم، ۱۳۷۷ق، ج ۲، ص ۲۰۹.

۴۰. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۳۲۰-۳۲۱.

۴۱. همان.

۴۲. همان، ص ۳۲۰، ج ۴.
۴۳. ابن بابویه، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۹.
۴۴. کلینی، پیشین، ص ۳۲۰-۳۲۱، ج ۶ و ۱۰؛ شیخ مفید، الارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۶ و ۲۷۹.
۴۵. کلینی، همان.
۴۶. همان، ج ۹؛ شیخ مفید، الارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۹.
۴۷. اشعری، پیشین، ص ۹۶-۹۹.
۴۸. نوبختی، پیشین، ص ۹۱.
۴۹. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۲.
۵۰. مسعودی، اثبات الوصیة، پیشین، ص ۱۸۳.
۵۱. قمی، حسن بن محمد، پیشین، ص ۲۰۰.
۵۲. شیخ مفید، الارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۳؛ همو، مسار الشیعة، پیشین، ص ۲۴؛ همو، المقنعة، پیشین، ص ۴۸۲.
۵۳. حسین بن عبدالوهاب، پیشین، ص ۱۲۱.
۵۴. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۶، ص ۱۰۲.
۵۵. طبری امامی، دلائل الامامة، پیشین، ص ۳۸۳.
۵۶. فتال نیشابوری، پیشین، ص ۲۴۳.
۵۷. طبرسی، اعلام الوری، پیشین، ج ۲، ص ۹۱؛ همو، «تاج الموالد»، پیشین، ص ۱۲۸.
۵۸. ابن خشاب، پیشین، ص ۱۹۵.
۵۹. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۱.
۶۰. اربلی، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۳؛ به نقل از: کمال الدین و جنابذی.
۶۱. علامه حلی، «المستجد من کتاب الارشاد»، مجموعة نفیسة، ص ۵۰۰.
۶۲. شیعی سبزواری، پیشین، ص ۲۳۹.

۶۳. شهید اول، پیشین، ج ۲، ص ۱۴.
۶۴. عاملی، حسین بن عبدالصمد، پیشین، ص ۴۳.
۶۵. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۵؛ به نقل از: تاریخ غفاری.
۶۶. گنجی شافعی، پیشین، ص ۴۵۸.
۶۷. ابن خلکان، پیشین، ج ۴، ص ۱۷۵.
۶۸. ابن صباغ مالکی، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۳۷.
۶۹. ابن طلحه شافعی، پیشین، ص ۳۰۳.
۷۰. ابن طاوس (۵۸۹-۶۶۴هـ.ق) در یک مورد، نام وی را محمد بن احمد بن عیاش ثبت کرده (الاقبال بالاعمال الحسنة، تحقیق جواد قیومی، اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۷۳) و در مورد دیگر (همان، ص ۲۰۹) نامش را احمد بن محمد بن عیاش آورده، ولی علامه محمدتقی شوشتری (م ۱۴۱۵هـ.ق) نام او را احمد بن محمد بن عبیدالله بن حسن بن عیاش بن ابراهیم بن ایوب جوهری و کنیه وی را ابوعبدالله ثبت کرده است (قاموس الرجال، سوم، قم: النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، شماره ۵۶۱).
۷۱. شیخ طوسی، مصباح المتعجل، پیشین، ص ۵۵۷.
۷۲. طبرسی، اعلام الوری، پیشین، ج ۲، ص ۹۱ (با تعبیر «و فی روایة ابن عیاش») و «تاج الموالید»، پیشین، ص ۱۲۸ (با تعبیر «و فی روایة آخری»).
۷۳. ابن فندق بیهقی، پیشین، ج ۱، ص ۳۹۴؛ ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۱ (با تعبیر «و قال ابن عیاش: لعشر خلون من رجب») و کفعمی، پیشین، ص ۵۱۲ و ۵۲۳ (کفعمی این نقل را پذیرفته است).
۷۴. ابن طاوس، پیشین، ج ۳، ص ۲۱۵.
۷۵. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۶، ص ۱۰۲.
۷۶. طبرسی، اعلام الوری، پیشین، ج ۲، ص ۹۱؛ ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۱.

۷۷. نجاشی، احمد بن علی، الرجال، تحقیق محمدجواد نائینی، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۲۵، شماره ۲۰۵؛ علامه شوشتری، قاموس الرجال، پیشین، ج ۱، ص ۶۲۲، شماره ۵۶۱.
۷۸. علامه شوشتری، محمدتقی، رساله فی تواریخ النبی و الآل علیهم السلام، اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۷.
۷۹. نجاشی، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۶.
۸۰. ابن طاوس، پیشین، ج ۳، ص ۲۲۷؛ اربلی، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۳ (به گفته ابن طلحه و با تعبیر «و قیل»).
۸۱. کفعمی، پیشین، ص ۵۱۲ و ۵۲۳.
۸۲. رک: مقدسی، یدالله، بازپروهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام، اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۳۵۷.
۸۳. رک: همان، ص ۴۹۳.
۸۴. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۲.
۸۵. شیخ مفید، الارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۳؛ همو، المقتنعة، پیشین، ص ۴۸۲.
۸۶. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۶، ص ۱۰۲.
۸۷. گنجی شافعی، پیشین، ص ۴۵۸.
۸۸. ابن طقطقی، پیشین، ص ۱۵۶.
۸۹. علامه حلّی، پیشین، ص ۲۲۳.
۹۰. شهید اول، پیشین، ج ۲، ص ۱۴.
۹۱. ابن خلکان، پیشین، ج ۴، ص ۱۷۵؛ قاضی نورالله شوشتری، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۱۶؛ به نقل از: سید عباس مکی در نزهة الجلیس.
۹۲. ابن طلحه شافعی، پیشین، ص ۳۰۳؛ قرمانی، احمد بن یوسف (۱۰۱۹ق)، اخبار الدول و آثار الاول، تحقیق فهمی سعید و احمد حطیط، اول، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۵.

۹۳. نوبختی، پیشین، ص ۹۱؛ اشعری، پیشین، ص ۹۹؛ قمی، حسن بن محمد، پیشین، ص ۲۰۰؛ شیخ مفید، مسار الشیعة، پیشین، ص ۲۴؛ طبری امامی، دلائل الامامة، پیشین، ص ۳۸۳؛ فتال نیشابوری، پیشین، ص ۲۴۳ (با تعبیر «و یقال»); طبرسی، اعلام الوری، پیشین، ج ۲، ص ۹۱؛ همو، «تاج الموالید»، پیشین، ص ۱۲۸، (با تعبیر «یقال»); ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۱، (با تعبیر «و یقال»); ابن خلکان، پیشین، ج ۴، ص ۱۷۵ (با تعبیر «وقیل»).
۹۴. طبرسی، اعلام الوری، پیشین، ج ۲، ص ۹۱؛ «تاج الموالید»، پیشین، ص ۱۲۸؛ شیعی سبزواری، پیشین، ص ۲۳۹ (و افزوده است: «گویند در نیمه آن»).
۹۵. مسعودی، اثبات الوصیة، پیشین، ص ۱۸۳؛ فتال نیشابوری، پیشین، ص ۲۴۳؛ ابن خشاب، پیشین، ص ۱۹۵ و ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۱؛ اربلی، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۳ (به نقل از ابن طلحه); قاضی نورالله شوشتری، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۱۴ (به نقل از ابن طلحه).
۹۶. طبرسی، اعلام الوری، پیشین، ج ۲، ص ۹۱؛ همو، «تاج الموالید»، پیشین، ص ۱۲۸.
۹۷. شیعی سبزواری، پیشین، ص ۲۳۹.
۹۸. نسخه چاپی اعلام الوری (پیشین، ج ۲، ص ۹۱) در نقل روایت ابن عیاش درباره تولد امام جواد علیه السلام، پانزدهم ماه رجب را ثبت کرده و در نسخه کشف الغمّة (پیشین، ج ۲، ص ۳۶۹) و نسخه بحار الانوار (ج ۵۰، ص ۱۳) به نقل از اعلام الوری، تولد ایشان طبق همین روایت، دهم رجب دانسته شده است.
۹۹. نوبختی، پیشین، ص ۹۱.
۱۰۰. اشعری، پیشین، ص ۹۹.
۱۰۱. قمی، حسن بن محمد، پیشین، ص ۲۰۰.
۱۰۲. شیخ مفید، مسار الشیعة، پیشین، ص ۴۳.
۱۰۳. قانون اطلاق و تقیید، از قواعد علم اصول است که تعارض بین آیات و روایات را بر پایه آن حل می‌کنند؛ به این صورت که اگر دو روایت درباره یک موضوع، دو مطلب متفاوت را بیان کنند

و روایت نخست نکته مشخصی را بیان نکند، ولی روایت دیگر از نکته مشخصی درباره آن موضوع حکایت کند که می‌تواند مقصود روایت اول هم، همان باشد، در اینجا می‌گویند روایت نخست اطلاقی دارد و قابل تقييد به روایت دوم است که بر نکته مشخصی تأکید دارد، پس مقصود دو روایت، یکی است؛ بنگرید: امام خمینی، *تهذيب الاصول*، تقرير جعفر سبحانی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق، ص ۵۳۶ و ۵۴۲.

۱۰۴. طبری امامی، *دلائل الامامة*، پیشین، ص ۳۸۳.

۱۰۵. مسعودی، *اثبات الوصية*، پیشین، ص ۱۸۳.

۱۰۶. فتال نیشابوری، پیشین، ص ۲۴۳.

۱۰۷. طبری امامی، *دلائل الامامة*، پیشین، ص ۳۸۳.

۱۰۸. حسین بن عبدالوهاب، پیشین، ص ۱۲۱.

۱۰۹. طبرسی، *اعلام الوری*، پیشین، ج ۲، ص ۹۱؛ همو، *تاج الموالید*، پیشین، ص ۱۲۸.

۱۱۰. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۱.

۱۱۱. اربلی، پیشین، ج ۲، ص ۳۶۹؛ به نقل از: ابن طلحه.

۱۱۲. کفعمی، پیشین، ص ۵۲۳.

۱۱۳. ابن خلکان، پیشین، ج ۴، ص ۱۷۵، شماره ۵۶۱.

۱۱۴. ر.ک به: عنوان سال تولد امام جواد علیه السلام، پاورقی‌های ۲۲ تا ۳۰؛ قمی، حسن بن محمد،

پیشین، ص ۲۰۰؛ ابن اثیر، علی بن محمد جزری (۶۳۰ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر،

[بی تا]، ج ۶، ص ۴۵۵؛ یافعی شافعی یمنی، عبدالله بن اسعد (۷۶۸ق)، *مرآة الجنان و عبرة البقطان*،

تعلیق خلیل منصور، اول، بیروت: دار الکتب العملیة، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۱؛ ابن الوردی، عمر بن

مظفر (۷۴۹ق)، *تاریخ*، اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق، ص ۲۱۲.

۱۱۵. همان.

۱۱۶. ر.ک به: مقدسی، پیشین، ص ۴۲۹.

۱۱۷. کلینی، پیشین، ج ۴، ص ۵۳۲، ح ۳.
۱۱۸. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۵، ص ۲۸۱، ح ۹۵۹.
۱۱۹. کلینی، پیشین، ج ۴، ص ۵۳۲، پاورقی.
۱۲۰. همان، ج ۱، ص ۴۹۲.
۱۲۱. شیخ مفید، الارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۹. این اشتباه در کتاب ارشاد، چاپ کنگره هزاره شیخ مفید، تصحیح شده است.
۱۲۲. طبرسی، اعلام الوری، پیشین، ج ۲، ص ۹۱.
۱۲۳. شیخ مفید، الارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۳ و ۲۹۵؛ همو، المقنعة، پیشین، ص ۴۸۲؛ همو، مسار الشیعة، پیشین، ص ۲۴.
۱۲۴. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، تحقیق: امیر مهنا، اول، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۶۰.
۱۲۵. ابن تغری، یوسف، پیشین، ج ۲، ص ۲۳۱.
۱۲۶. ابن طولون، محمد، الائمة الاثنی عشر، تحقیق صلاح الدین منجد، قم: منشورات رضی، [بی تا]، ص ۱۰۴.
۱۲۷. مسعودی، اثبات الوصیة، پیشین، ص ۱۹۲.
۱۲۸. ابن خلکان، پیشین، ج ۴، ص ۱۷۵، شماره ۵۶۱؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، ج ۱۰، ص ۳۸۵؛ همو، العبر فی خبر من غیر، تحقیق محمدسعید بن بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیة، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۰۰ (با عبارت «وقیل»).
۱۲۹. قاضی نورالله شوشتری، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۱۶.
۱۳۰. اربلی، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۵.
۱۳۱. ابن طقطقی این روز را دهم شعبان دانسته و به مستند خود نیز اشاره‌ای نکرده است (پیشین، ص ۱۵۶). در منابع تاریخی هم، موافقی برای او به دست نیامده است.

۱۳۲. کفعمی، شهادت امام جواد علیه السلام را دهم رجب دانسته (پیشین، ص ۵۲۳) و این نیز، به جهت اشتباه ماه شهادت و ماه تولد این امام همام است که به گزارش ابن عیاش، تولد آن حضرت دهم رجب دانسته شد و کفعمی نیز آن را پذیرفته است، با اینکه در گزارش ابن عیاش ماه شهادت آن عزیز ذی القعدة ثبت شده و کفعمی به اشتباه، همان تاریخ ماه و روز تولد را برای ماه و روز شهادت نیز ثبت کرده و این، خطای قلم وی یا نسخه بردار است.

۱۳۳. نوبختی، پیشین، ص ۹۱؛ اشعری، پیشین، ص ۹۹؛ کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۲؛ قمی، حسن بن محمد، پیشین، ص ۲۰۰؛ شیخ مفید، الارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۹؛ همو، المقنعة، پیشین، ص ۴۸۲؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۶، ص ۹۰؛ فتال نیشابوری، پیشین، ص ۲۴۳؛ طبرسی، اعلام الوری، پیشین، ج ۲، ص ۹۱؛ همو، «تاج الموالید»، پیشین، ص ۱۲۹؛ ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۱؛ شهید اول، پیشین، ج ۲، ص ۱۵؛ عاملی، حسین بن عبدالصمد، پیشین، ص ۴۳؛ قاضی نورالله شوشتری، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۱۶ (به نقل از: نزهة الجلیس).

۱۳۴. گنجی شافعی، پیشین، ص ۴۵۸؛ ابن صباغ مالکی، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۵۷؛ ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد (م ۹۷۴ق)، الصواعق المحرقة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۲؛ قاضی نورالله شوشتری، پیشین، ج ۱۹، ص ۵۹۳ (به نقل از: الاتحاف بحب الاشراف) و شبلنجی، شیخ مؤمن بن حسن (۱۲۹۸ق)، نور الابصار، [بی جا]: دار الفکر، [بی تا]، ص ۱۶۳.

۱۳۵. از باب نمونه، با اینکه کلینی شهادت امام در ماه ذی الحجة را از محمد بن سنان نقل کرده، آن را برنتابیده است؛ بنگرید: کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۷.

۱۳۶. همان.

۱۳۷. خطیب بغدادی، پیشین، ج ۳، ص ۵۵؛ اربلی، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۵.

۱۳۸. در منابع شیعیان ابتدا حمیری در کتاب الدلائل (اربلی، پیشین، ج ۲، ص ۳۶۵) با استناد به محمد بن سنان، این خبر را نقل کرده است. سپس کلینی از وی و اشعری نقل کرده و آن را پذیرفته است. آن گاه ابن خشاب (پیشین، ص ۱۹۵) در یک روایتش از وی نقل کرده است. ولی

طبری امامی (دلائل الامامة، پیشین، ص ۳۹۵) این خبر را بی‌استناد به کسی ثبت کرده است؛ چنانکه ابن شهر آشوب (پیشین، ج ۴، ص ۴۱۱)، فتال نیشابوری (پیشین، ص ۲۴۳)، شهید اول در الدرر (پیشین، ج ۲، ص ۱۵)، آن را برتنبایده و با تعبیر «قیل» ثبت کرده‌اند. در منابع اهل سنت نیز، نخست خطیب بغدادی - که بیش از یک قرن پس از کلینی می‌زیست - این گزارش را از محمد بن سنان ثبت کرده (تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۵۵) و در پی او مورخانی چون ابن جوزی در المنتظم (پیشین، ج ۱۱، ص ۶۲) و ابن خلکان در وفیات الاعیان (پیشین، ج ۴، ص ۱۷۵) همین گزارش خطیب بغدادی را با حذف سند نقل کرده‌اند. همچنین ابن صباغ مالکی (پیشین، ج ۲، ص ۱۰۵۷) به صورت «قیل»، آن را گزارش کرده است.

۱۳۹. نجاشی، پیشین، شماره ۸۸۸.

۱۴۰. در تاریخ بغداد (پیشین، ج ۳، ص ۵۵) از شخصی به نام محمد بن سعد و در کشف الغمّه (پیشین، ج ۲، ص ۳۴۵) از محمد بن سعید یاد شده است. در مورد این شخص و کتاب و تاریخ وفاتش مطلبی در دست نیست. ممکن است منظور از محمد بن سعد، نگارنده کتاب الطبقات الکبیر (م ۲۳۰ق) باشد، اما مقصود از محمد بن سعید روشن نیست. در کتاب‌های رجالی از راویان متعددی به این نام یاد شده که مناسب با این موضوع، این شخصیت باید محمد بن سعید ازدی - دوست موسی مبرقع پسر امام جواد علیه السلام - باشد. مسعودی در اثبات الوصیّه (ص ۱۹۴) به نقل از کتاب الدلائل حمیری (زنده در ۲۹۷ق) وی را مولای (دوست) فرزندان امام جواد علیه السلام دانسته است ولی کتاب‌های رجالی درباره شخصیت، مذهب و زمان درگذشت وی مطلبی ثبت نکرده‌اند (نمازی شاهرودی، علی (م ۱۳۶۴ش)، مستدرکات علم رجال الحدیث، اول، تهران: حسینیه عمادزاده، ابن المؤلف، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۱۰۹). اربلی که به نقل از کتاب معالم العترة جنابذی نام او را در این گزارش ثبت کرده، مشخص نکرده او کیست. شاید وی همان محمد بن سعد - صاحب الطبقات الکبیر - سنی مذهب باشد که جنابذی نیز از او گزارش می‌کرد و شاید همان کسی است

که در گزارش حمیری از دوستان فرزندان امام جواد علیه السلام به شمار رفته است. به هر روی، هویت وی مشخص نیست.

۱۴۱. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۳۲۵، ح ۳.

۱۴۲. حسین بن عبدالوهاب، پیشین، ص ۱۳۳؛ مسعودی، اثبات الوصیة، پیشین، ص ۱۹۵.

۱۴۳. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۳۲۵، ح ۳؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۶.

۱۴۴. حسین بن عبدالوهاب، پیشین، ص ۱۳۳؛ مسعودی، اثبات الوصیة، پیشین، ص ۱۹۴؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۵.

۱۴۵. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۷؛ خطیب بغدادی، پیشین، ج ۳، ص ۵۵؛ اربلی، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۵.

۱۴۶. طبرسی، «تاج الموالید»، پیشین، ص ۱۲۹؛ گنجی شافعی، پیشین، ص ۴۵۸؛ علامه حلی، پیشین، ص ۵۰۰.

۱۴۷. نوبختی، پیشین، ص ۹۱.

۱۴۸. اشعری، پیشین، ص ۹۹.

۱۴۹. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۲.

۱۵۰. قمی، حسن بن محمد، پیشین، ص ۲۰۰.

۱۵۱. شیخ مفید، الارشاد، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۹؛ همو، المقنعة، پیشین، ص ۴۸۲.

۱۵۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۶، ص ۹۰.

۱۵۳. فتال نیشابوری، پیشین، ص ۲۴۳.

۱۵۴. طبرسی، اعلام الوری، پیشین، ج ۲، ص ۹۱؛ به روایت ابن عیاش.

۱۵۵. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۱.

۱۵۶. شهید اول، پیشین، ج ۲، ص ۱۴.

۱۵۷. ابن صباغ مالکی، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۵۷.

۱۵۸. عاملی، حسین بن عبدالصمد، پیشین، ص ۴۳.
۱۵۹. قاضی نورالله شوشتری، پیشین، ج ۱۹، ص ۵۹۳؛ به نقل از: *الاتحاف بحب الاشراف*.
۱۶۰. همان، ج ۱۲، ص ۴۱۶؛ به نقل از: *نزّهة الجلیس*.
۱۶۱. شهید اول، پیشین، ج ۲، ص ۱۴.
۱۶۲. طبری امامی، *دلایل الامامة*، پیشین، ص ۳۹۵.
۱۶۳. تعبیر روز سه شنبه، نخست در روایت محمد بن سنان ثبت شده (کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۷) و منابع بعدی از او نقل کرده‌اند.
۱۶۴. تنها در *روضه الواعظین* (پیشین، ص ۲۴۳) و *مناقب آل ابی طالب* (پیشین، ج ۴، ص ۴۱۱) با تعبیر «قیل» گزارش شده است.
۱۶۵. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۷.
۱۶۶. نوبختی، پیشین، ص ۸۸.
۱۶۷. شیخ مفید، *الارشاد*، پیشین، ص ۲۸۷.
۱۶۸. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۶، ج ۷.
۱۶۹. همان.
۱۷۰. نوعی انگور که دانه‌های ریز دارد. برخی نیز گفته‌اند دانه‌های آن، دراز و سفید است؛ بنگرید: دهخدا، علی اکبر (م ۱۳۳۴ ش)، «رازقی»، *لغت‌نامه دهخدا*، اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۷۱. عیاشی، محمد بن مسعود، *التفسیر*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ص ۳۱۹.
۱۷۲. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۶ و ۴۲۳.
۱۷۳. طبری امامی، *دلایل الامامة*، پیشین، ص ۳۹۵؛ ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۱۶ و ۴۲۳.
۱۷۴. شیخ مفید، *الارشاد*، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۹.
۱۷۵. نوبختی، پیشین، ص ۹۱؛ شیخ مفید، *الارشاد*، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۵.

۱۷۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ، بیروت: دار صادر، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۷۲-۴۷۳.
۱۷۷. ابن اثیر، پیشین، ج ۶، ص ۴۵۵؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۳.
۱۷۸. عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الجواد علیه السلام، قم: المؤتمر العالمي للامام الرضا علیه السلام، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۵-۱۲۶.
۱۷۹. همه منابع در این باره اتفاق دارند.
۱۸۰. کلینی، پیشین، ج ۴، ص ۵۸۳-۵۸۴، ح ۳؛ شیخ مفید، المقنعة، پیشین، ص ۴۸۲-۴۸۳؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۶، ص ۱۰۲-۱۰۳.
۱۸۱. سبط بن جوزی، مرآة الزمان، ص ۵۶.
۱۸۲. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۲۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی